



خانه کاموا

بوری انواع کاموهای ایرانی و ترک

مدیریت: صیدانلو - ۰۹۳۹۵۶۷۴۹۶۵

آدرس: گرگان، میدان مدرس، کوی طالقانی، طالقانی یکم، جنب آژانس کوهسار

پرواغت غرامت به کشاورزان



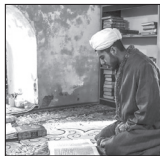
۲

بازار گوشت قرمز متعادل می شود



۲

۱۰ هزار طلبه اهل سنت مشغول تحصیل هستند



۳

ولادت امام الزمان (عج) تبریک و تهنیت باد

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

شنبه ۵ اسفند ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۲۷۴۲ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

مساله

عدالت

■ با مسوولیت سردبیر

نیمه شعبان میلاد فرخنده امام عصر (ع) است بحث درباره امام موعود (ع) به ما یادآوری می کند مساله مادر زندگی اجتماعی و حکمرانی و حتی در روابط خصوصی انسانها چیست؟ می توانیم دهها ساعت درباره صدها موضوع سخن بگوییم و مدعی همه امور شویم اما باید بدانیم که مساله امام عصر (عج) عدالت است. عدالت اصلی ترین مساله ظهور است و گم شده تمامی بشریت از ابتدای تاریخ تا به اکنون بوده و هست. به وجود آمدن دهها مکتب فلسفی و فکری در اردوگاههای فکری لیبرالیسم و سوسیالیسم برای نیل به عدالت بوده و هست. در واقع شاید بتوان گفت عدالت از معدود واژگانی است که به مانند اخلاق تمامی متفکران جهان از توحیلی و غیر توحیلی درباره آن بحث و گفت و گو کرده اند و در نهایت همگان نیز بر آن اقرار کرده اند که همانگونه که امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید عدالت بنیان حکمرانی است که العدل اساس الملک. بنابراین اصلی ترین و شاید جدی ترین وظیفه هر حکمرانی با هر نام و ادعا باید حرکت به سمت و سوی زندگی عادلانه باشد. مفهوم عدالت از جمله کلید واژه هایی است که از زمان افلاطون و ارسطو به حوزه اندیشه وری انسان وارد شده است آنچه همه بر آن متفقند آن است که مفهوم عدالت با هر قرائت و تفسیر نمی تواند با برابری انسانها، حقوق بشر و حق اولیه انسان برای زندگی و تامین نان، مسکن و مایحتاج اولیه در تقابل باشد. نگاهی سطحی به این مفهوم با هر فهمی نشان می دهد که جامعه امروز ما که پر از تبعیض های غیر ضروری و مملو از فقر روز افزون است تا کجا از عدالت دور افتاده است، زیرا تا زمانی که عدالت مساله حکمرانی نباشد محصولی غیر از این به دست نخواهد آمد. عدالت اولین و عدالت بنیادی ترین مساله حکمرانی است.



بی هوده نمایشنامه بی نقص رئالیسم اجتماعی

« ۸ »



سرنوشت کتابخانه های خانگی پس از صاحبانشان چیست؟

« ۴ »



از تجربه های زیسته: آیشمن در آ پار تمان

« ۲ »

زنگ آخر انتخابات

■ حضور اقوام فضای انتخابات را گرم کرده است



روزهای آرامی را سر می کند برخی شهرستانهای گلستان مملو از شور و شوق انتخاباتی است. گنبد، علی آباد کتول، آق قلا و... به دلایل گوناگون از جمله حضور اقوام فضای انتخابات را گرم کرده اند. رقابتها در این شهرستانها از هفته ها یا ماههای قبل با یاریگیری نامزدها و صف کشی های قومی یا فامیلی یا هر چیز دیگر آغاز شده بود تا وقت قانونی انتخابات به اوج خواهد رسید تا ببینیم آیا نمایندگان گلستان در مجلس تغییر خواهند کرد یا گلستان با همین نمایندگان کنار خواهد آمد.

و هوای متفاوتی را تجربه می کنند، اصلی ترین نهادهای انتخاباتی اصولگرایان در قالب شورای ائتلاف و شورای وحدت فعالیت انتخاباتی خود را پیگیری می کنند و این در حالی است اصلاح طلبان که تا به این دوره همواره رقیب جدی اصولگرایان بوده اند به هر دلیل در انتخابات حضوری جدی ندارند. آخرین جلسه احزاب اصلاح طلب گلستان نیر بدون نتیجه خاصی هفته گذشته برگزار شد. این احزاب نتوانستند بر سر ارائه لیست انتخاباتی به اجماع برسند، از جانب دیگر بر خلاف مرکز استان که

آبان ۱۴۰۲ انجام شد در این دوره ۲۴۰۸۲۹ داوطلب نام نویسی کردند که بر اساس آمار ۱۲ درصد آنها زن بودند. سخنگوی ستاد انتخابات کشور در دوم بهمن ۱۴۰۲ اعلام کرد که صلاحیت ۱۰۰۱۴ نماینده ای که در هیئت های اجرایی احراز نشده بودند، تأیید و مجموعاً ۱۲۰۰۳۳ نفر برای حضور در انتخابات تأیید صلاحیت شده اند. در این میان البته هر از چند گاهی هم تعدادی دیگر به نامزدها اضافه شده اند تا در انتخابات آتی به رقابت بپردازند. اما فعالان سیاسی و انتخاباتی و احزاب، حال

علیرضا صدرایی - انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برای انتخاب نمایندگان مجلس دوازدهم برگزار خواهد شد. این دوره از انتخابات با قانون جدید انتخابات کمی با تغییر در روند ثبت نام نامزدها همراه بود، وزارت کشور در گام نخست پیامکی را در دوازده مرداد برای میلیون ها شهروند ارسال کرد و از آنها دعوت به نامزدی در انتخابات کرد، ثبت نام اولیه داوطلبان انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در مدت یک هفته در ۲۷ مهر تا ۳



۰۱۷۳۳۲۴۴۳۰۲

www.golshanemehr.com

پرداخت غرامت به کشاورزان



اقتصادی استان هستند که در تامین نیازهای غذایی جامعه نقش مهمی دارند و این دو قطب نیازمند حمایت هستند تا در مسیر امن حرکت کنند. به گفته برزعلی؛ بیشترین سطح بیمه شده بخش زراعت مربوط به محصول گندم دیم با ۱۰۸ هزار هکتار و سپس ۹۲ هزار هکتار گندم آبی است. وی از دامداران خواست از بیمه دام های خود غافل نشوند و گفت: امسال ۶۴ هزار راس دام سبک و سنگین در استان گلستان زیرپوشش بیمه قرار گرفتند.

بیان اینکه به طور کلی بیمه کشاورزی به چهار بخش طیور، دام، زراعت و باغ تقسیم می شود افزود: با توجه به اهمیت محصولات کشاورزی، به عنوان بخش مهمی از اقتصاد استان و منبع مهم درآمد اقشار زیادی از مردم و همچنین مخاطرات بسیار آن، بیمه کشاورزی اهمیت ویژه ای دارد. رییس سازمان جهاد کشاورزی گلستان با بیان اینکه برای حمایت از امنیت تولید، مدیریت ریسک و تولید پایدار کشاورزی نباید از بیمه کشاورزی غافل شد، یادآور شد: کشاورزی و دامداری ۲ قطب

رییس سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: در سال زراعی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، سه هزار و ۴۴۰ میلیارد ریال غرامت به کشاورزان گلستانی پرداخت شده که میزان عمده آن را خسارات ناشی از خشکسالی تشکیل می دهد. به گزارش روابط عمومی، محمد برزعلی با اشاره به پیشسازی گلستان در بیمه محصولات کشاورزی اظهار کرد: این استان با ۷۳ میلیون قطعه بیمه طیور، رتبه دوم کشور را کسب کرد و با ۲۹۷ هزار هکتار سطح بیمه شده زراعی، در جایگاه نخست کشور ایستاد. وی با

خبر

افتتاح مرکز جراحی سپاه با حضور فرمانده کل سپاه



مرکز جراحی محدود امام جعفر صادق (ع) سپاه نینوا گلستان با حضور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گرگان افتتاح شد. به گزارش ایرنا، سردار حسین سلامی در حاشیه افتتاح این مرکز جراحی اظهار کرد: این مرکز به دستگاه های تشخیصی پیشرفته از جمله رادیولوژی و غیره تجهیز شده و بخشی دیگر از تجهیزات نیز در ماه های آینده در این مرکز نصب می شود. وی با بیان اینکه ماهانه ۱۸ هزار مراجعه کننده از خدمات مرکز جراحی سپاه نینوا گلستان بهره مند می شوند، افزود: همه مردم می توانند از خدمات این مرکز بهره مند شوند و فعالیت آن به خانواده های پاسداران اختصاص ندارد. فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خاطر نشان کرد: سپاه در سال های اخیر ۱۲۰ درمانگاه در شهرهای مختلف کشور ایجاد کرد و برنامه ما افزایش تعداد درمانگاه ها به ۵۰۰ درمانگاه در شهرهای کوچک است. سردار سلامی تاکید کرد: مجوز ۱۳ بیمارستان جدید سپاه در مراکز استان های کشور صادر شده که تاکنون چهار بیمارستان به بهره برداری رسیده که این بیمارستان ها جزو بیمارستان های بخش خصوصی بود که توسط سپاه پاسداران خریداری شده است. وی با بیان اینکه کلینیک های پیشرفته و مدرن سپاه پاسداران در مراکز استان های کشور نیز آماده بهره برداری است، گفت: هدف ما کمک به بهداشت و درمان کشور است. فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تاکید بر اینکه سپاه برنامه وسیعی برای توسعه درمانی در کشور دارد، یادآور شد: برنامه ما این است که این ظرفیت ها در اختیار مردم قرار گیرد و در کنار آن به بخش بهداشت و درمان کمک شود.

مرکز جراحی محدود امام جعفر صادق (ع) سپاه نینوا گلستان با بیش از هفت هزار متر زیر بنا در چهار طبقه احداث شده و دارای اتاق عمل، فیزیوتراپی، ام آر آی، سی تی اسکن و سونوگرافی است. ساخت این مرکز از سال ۱۳۹۴ شروع شد و شامل سه اتاق عمل و ۱۵ تخت است و از بخش های تخصصی چشم، زنان، قلب، پوست، غدد، گوش و حلق و بینی، ارتوپدی، کلینیک دندانپزشکی، فیزیوتراپی، مرکز تصویربرداری (سی تی اسکن، رادیولوژی و سونوگرافی)، اورژانس، انبار دارویی و داروخانه تشکیل شده است.



نیز به فراخور نیاز بازار به فروش خواهد رسید. به گفته وی هر کیلوگرم گوشت منجمد قرمز گوساله به قیمت سه میلیون و ۱۰۰ هزار ریال عرضه می شود. مدیر تعاون روستایی گلستان چند روز قبل هم از تهیه ۱۸۰ تن میوه شب عید شامل ۱۰۰ تن پرتقال و ۸۰ تن سیب درختی و ۱۵ تن خرمه برای ماه رمضان در این استان خبر داده بود. مدیریت تعاون روستایی گلستان، ۲۸۵ شرکت تعاونی تولید، روستایی و کشاورزی، ۱۱ اتحادیه شهرستانی، ۶ اتحادیه استانی با ۱۸۵ هزار عضو دارد.

بازار گوشت قرمز متعادل می شود

مدیر تعاون روستایی گلستان گفت: بازار گوشت قرمز این استان با توزیع ۱۰۰ تن گوشت منجمد وارداتی که از چند روز قبل آغاز شده است متعادل می شود. به گزارش روابط عمومی، محمد رضا جامی اظهار کرد: توزیع ۲۰ تن گوشت منجمد قرمز گوساله در فروشگاه ها و شرکت های تعاونی روستایی گلستان آغاز شده و بقیه

آگهی مزایده عمومی

غرفه فروشگاه اتکا

فروشگاه اتکا در نظر دارد غرفه نان و شیرینی مستقر در فروشگاه مرکزی گرگان را از طریق برگزاری مزایده عمومی

در اختیار متقاضیان قرار دهد.

به همین منظور متقاضیان می توانند جهت شرکت در این مزایده و کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ درج آگهی به مدت ۳ روز کاری به آدرس گرگان

ابتدای خیابان شهید بهشتی، جنب اداره برق، واحد بازرگانی مراجعه و اسناد مربوطه را دریافت نمایند.

اتکا در رد و یا قبول پیشنهادات مختار بوده و هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می باشد.

تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۳۸۹۸۱



گلشهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

خبر

۴۰ نیکوکار میدان دار
نیازمندان مینودشت هستند



رییس کمیته امداد امام خمینی (ره) مینودشت گفت: ۴۰ نیکوکار این شهرستان از محل سپرده‌های خود، میدان‌دار پرداخت وام قرض‌الحسنه به نیازمندان و مددجویان تحت پوشش این نهاد هستند. به گزارش روابط عمومی، علی‌صفا حسینی هدف از اجرای طرح قرض ماندگار را کمک به مددجویان دانست و اظهار کرد: متقاضیان شرکت در این طرح، مبلغی را به عنوان سپرده دائمی در حساب صندوق امداد ولایت واریز می‌کنند تا به صورت وام قرض‌الحسنه به مددجویان زیرپوشش این نهاد و نیازمندان پرداخت شود. افزود: نیکوکاران برای شرکت در طرح قرض ماندگار و سپرده‌گذاری در صندوق امداد ولایت می‌توانند وجوه خود را به شماره کارت صندوق امداد ولایت به شماره ۰۳۷۵۵۷۰۰۳۷۹۹۷۹۵۰۰ واریز کنند. رییس کمیته امداد مینودشت با اشاره به رتبه نخست استانی این شهرستان در طرح قرض ماندگار، گفت: خیران مینودشتی از ابتدای امسال تاکنون یک میلیارد و ۶۷۰ میلیون ریال به صورت سپرده دائم در صندوق امداد ولایت واریز کردند که در مقایسه با ۶۰ میلیون ریال سال گذشته افزایش چندین برابری را نشان می‌دهد. صفا حسینی ادامه داد: به ۱۸ نفر در مینودشت از محل کمک امسال خیران به حساب صندوق ولایت در طرح قرض ماندگار، وام قرض‌الحسنه پرداخت شد. وی همچنین سهمیه امسال مینودشت از محل تسهیلات اشتغالزایی تبصره ۱۸ را ۵۲۰ میلیارد ریال اعلام کرد و گفت: تاکنون ۴۱۶ میلیارد ریال از این اعتبار جذب و به ۳۷۶ مددجو و افراد مشمول دهک‌های یک تا پنج پرداخت شد.

این بود که اصل حاکم بر اراده من باید همیشه جوری باشد که بتواند به اصل حاکم بر قوانین عام تبدیل شود. البته هانا آرنت در ادامه، تحریف آیشمن از اصول کانت را به درستی تبیین می‌کند. آرنت می‌گوید: چیزی که آیشمن در دادگاه بدان اشاره نکرد، این بود که، جوری عمل کن که گویی اصل حاکم بر عمل تو، همان اصل حاکم بر قانونگذار یا قانون کشور است. توجه به این تفسیر می‌تواند، در چالش‌های امروزی زندگی شهری مهم باشد. در روایت نقل شده از آپارتمانی که امروز با مشکل پارکینگ مواجه است، مساله تفسیر و شیوه عمل انسان بر قانون است. خواه این قانون، حاکم بر یک سازمان، اداره، نهاد غیردولتی، مدرسه، دانشگاه، کشور یا حتی یک آپارتمان باشد. از جایگاه همسایه ما، اراده حاکم بر عمل خود را، به عنوان اصل حاکم بر آپارتمان تلقی کرد، مساله تنش در همزیستی آغاز شد. در صورتیکه این رابطه قاعداتاً می‌بایست برعکس می‌بود. اینگونه که اصل حاکم بر قانون آپارتمان، می‌بایست اصل اراده حاکم بر عمل من باشد. نگاه به تاریخ هم موبد همین وضعیت است. اگر بررسی کنیم، بحران‌هایی که گاه در شهرها با آنها مواجه می‌شویم، سوبعدداشت‌ها از اصل حاکمیت اراده ی فردی بر حوزه‌های است که خیر جمعی در آنها نهفته است. انسان‌ها در شلوغی زندگی جمعی، چاره‌ای جز قبول حاکمیت قانون ندارند. قانون به دنبال خیر جمعی است و هر گونه تفسیر خود خواسته یا بی‌اعتنایی به آن، به مشکلات زیسته جامعه می‌افزاید. از نگاه هابزی نه‌اجم به حوزه عمومی و خیر جمعی در سرشت تمام انسان‌ها وجود دارد. احتمالاً اگر آیشمن در همسایگی ما بود، همین رفتار مشابه را داشت و حتی بالعکس. همسایه ما هم می‌توانست جای آیشمن را در تاریخ پر کند. مساله این است که هر شهروند بنا به موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرد، "امکان" یک تفسیر نظیر تفسیر تحریف‌شده ی آیشمن از "اراده و قانون" را دارد. این باعث می‌شود تا جامعه در ارتباط با مسایل دیگری مانند حفظ محیط زیست، رعایت قوانین عبور و مرور، اختلاف همسران و بروز مساله طلاق، مساله کودکان کار و تکی‌گری، تخریب اموال عمومی، بروز خشم و نزاع در جامعه، تهدید امنیت عمومی و البته فرهنگ آپارتمان نشینی با چالش مواجه شود. شهروندی، موقعیتی است که فرد می‌بایست اصل حاکم بر قانون را اصل حاکم بر اراده خود بداند.

کارشناس فرهنگی اجتماعی

شد تا هر مالک واحد مسکونی، تنها یک خودرو وارد پارکینگ نماید. تا اینجا همه چیز به خوبی پیش رفت. از فردای روز تصمیم‌گیری، قانون رعایت شد اما یکی از ساکنین در واکنش به این تصمیم، اساساً روابط فردی و اجتماعی خود را به طور کلی با ساکنین قطع کرد. نه تنها خودش، بلکه تمام اعضا خانواده. از آن زمان، نه در جلسات شرکت می‌کند، نه به احوالپرسی ساکنین جواب می‌دهد، نه واکنشی نسبت به دیگر مشکلات آپارتمان دارد، و به معنای واقعی به یک نوع قهر خودخواسته تن داده است. گویی همسایه ای با نام و نشان آنان در ساختمان وجود خارجی ندارد. جالب هم اینجاست که با گذشت سه ماه از رعایت قانون، مجدداً رفتار خود را در آوردن دو ماشین در پارکینگ و نقض قانون آغاز کرد. اینبار دیگر کسی هم معترض نشد، بلکه دیگر همسایگان هم خودروهای دوم خود را آوردند و تا الان هم پارکینگ تا آنجا که جا دارد و سانی مترها اجازه می‌دهد، مملو از خودرو است. یک نمایشگاه خودرو در معنای واقعی. این روایت، شاید اتفاق جدیدی نباشد. در تجربه‌های زیسته بسیاری از شهروندان مثال‌هایی از این دست دیده می‌شود. اما مساله در چیست؟ چرا در رعایت حقوق عامه که به نوعی خیر جمعی در آن نهفته است، توجه به قانون صورت نمی‌گیرد؟ هانا آرنت، فیلسوف و متفکر فرانسوی، در کتاب (آیشمن در اورشلیم، ابتذال شر، چاپ نشر برج) به روایت رفتار و عملکرد یکی از افسران نازی در کشتار دسته جمعی هزاران انسان می‌پردازد. ریشه‌های شکل‌گیری تفکر تمامیت‌خواهی و تهاجم به حوزه ی خیر عمومی را شناسایی می‌کند. آنها را واکاوی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه آیشمن متولد می‌شود، رشد می‌کند و بر سرنوشت انبوهی از انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. آیشمن طی سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ میلادی (تقریباً همین ۸۰ سال گذشته) هزاران انسان را از سراسر اروپا و کشورهای تحت سلطه نازیسم جمع‌آوری می‌کند و به کارخانه‌های قتل عام می‌سپارد. برای این هدف، سیستم طراحی می‌کند و دغدغه روزانه اش می‌شود تعداد واگن‌هایی که قرار است طبق برنامه انسان‌ها را از جای‌جای اروپا به آشویتس و دیگر اردوگاه‌های کار اجباری و در معنای دیگر به دستگاه‌های کشتار جمعی بسپارد. در جلسه دادگاهی، آیشمن به یک مساله اخلاقی اشاره می‌کند که طرح آن در تفسیر انسان از موقعیت مهم است. می‌گوید: "تمام زندگی‌ام را مطابق با اصول اخلاقی کانت زندگی کرده‌ام. منظورم از اشاره به کانت



از تجربه‌های زیسته:

آیشمن در آپارتمان



ایمان مظفری

آپارتمانی که در آن زندگی می‌کنیم، هشت واحد دارد. ساکنین آن عموماً از قشر متوسط شهری هستند. از آنجاییکه سیاست‌های دولت در سال‌های اخیر، ماشین را از کالای مصرفی تبدیل به کالای سرمایه‌گذاری کرد، برخی از همسایگان صاحب دو ماشین و حتی سه ماشین شدند. لذا یک واحد آپارتمان که تنها جای پارک ۸ خودرو داشت، حالا می‌بایست تبدیل به جای پارک ۱۲ خودرو می‌شد. این امکان در فضای پارکینگ وجود نداشت. به طوری که در برخی از ساعات، عبور و مرور برای اهالی از فضای مشاعی هم مشکل می‌شد. پارکینگ ساختمان عملاً تبدیل به نمایشگاه خودرو شد. از کارکرده تا صفر. اعتراض همسایگان بالا گرفت. حق مالکیت هر واحد فقط یک خودرو بود. لذا این درخواست در جلسه ساکنین مطرح و تصمیم بر آن

۱۰ هزار طلبه اهل سنت مشغول تحصیل هستند



دبیر شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت کشور با اشاره به فعالیت بیش از ۳۳۰ مدرسه علوم دینی ثبت‌شده اهل سنت در کشور، گفت: در این مدارس افزون بر ۱۰ هزار طلبه مشغول تحصیل هستند. به گزارش روابط عمومی، حجت‌الاسلام کاظم لطفیان در نشست با طلاب اهل سنت گلستان و تجلیل از نفرات برتر در گنبدکاووس مهمترین رسالت و وظیفه روحانیت را تبلیغ و ترویج معارف دینی دانست و افزود: بیشترین مدارس علوم دینی اهل سنت کشور در استان گلستان است. دبیر شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت کشور با اشاره به گرایش زنان به تحصیل معارف دینی، گفت: تقاضای زنان برای تحصیل علوم دینی رو به افزایش است. حجت‌الاسلام لطفیان تأکید کرد: برای جلوگیری از منکرات باید تبلیغ «معروف» اتفاق بیفتد که یکی از مهمترین آنها معرفی خدمات نظام جمهوری اسلامی است. وی افزود: روحانیت استان گلستان همواره در صحنه‌های دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی حضور دارند و در صحنه انتخابات پیشرو هم خواهند درخشید. وی به مسائل و دغدغه طلاب اهل سنت گلستان اشاره کرد و گفت: بخشی از دغدغه طلاب برای مسائل تحصیلی است که تلاش خود را برای رفع آنها می‌کنیم و بخشی هم برای دغدغه معیشت است که امسال مساعدت دولت به یاری حوزه شتافته و یک تحول خوبی اتفاق افتاده است. دبیر شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت کشور افزود: مانعی برای پیشرفت علوم دینی وجود ندارد

محکمی به تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های دشمنان برای کاهش مشارکت خواهد بود. سرپرست معاونت آموزشی و پژوهشی مرکز اسلامی گلستان هم گفت: ۲ هزار طلبه زن و مرد در ۹۵ مدرسه علوم دینی در استان مشغول به تحصیل هستند و ۴۸۰ مدرس مسوولیت آموزش آنان را برعهده دارند. آخوند کرامت‌الله میرزاغلی با اشاره به اینکه در گذشته شائبه‌ای در رابطه با مدرک نداشتن روحانیون اهل سنت مطرح بود، افزود: ۳۳۰ روحانی اهل سنت توانستند مدرک سطح یک، ۲ و سه علوم دینی را در استان گلستان به دست آورند.

و روش جدیدی به عنوان مدارس علوم دینی خواهران در حال شکل گرفتن است که باید برنامه‌ریزی خوبی برای آن داشته باشیم. حجت‌الاسلام لطفیان تربیت طلبه انقلابی را یک ضرورت جدی برشمرد و گفت: طلبه‌های زن و مرد نقش مهمی در تبلیغ علوم دینی و ارزش‌های انقلابی در خانه و جامعه ایفا می‌کنند. وی از طلاب خواست علاوه بر اینکه در انتخابات شرکت می‌کنند، سایر اقشار جامعه را هم دعوت به مشارکت حداکثری در این رویداد سیاسی کنند. چرا که حضور پرشور مردم در پای صندوق‌های رای پاسخ

سرنوشت کتابخانه‌های خانگی پس از صاحبانشان چیست؟



سید حسن حسینی نژاد - صاحبان کتابخانه‌های بزرگ خانگی در عین علاقه ویژه به کتاب‌خوانی، تعلق خاطر خاصی به کتاب‌های خود دارند اما وقتی صحبت از فرشته مرگ شود، ممکن است به فکر فرو بروند و از خود بپرسند که سرنوشت این گنجینه بزرگ کاغذی خودساخته چه خواهد شد. شیدایی برای کتاب خریدن و خواندن و حتی بسیاری را خریدن و نخواندن و زندگی در میان انبوهی کتاب؛ تصویری ابتدایی و کلی از برخی افرادی است که ما کم یا بیش پیرامون خود به‌عنوان دوستاناران یا عاشقان و حتی به تعبیری خوره‌های کتاب دیده‌ایم. کسانی که سالها از بسیاری نیازها و حتی اولویت‌های زندگی خود حتی بعضاً از خورد و خوراک و پوشاک و ... برای شکل دادن یک کتابخانه خانگی بزرگ گذشته‌اند. افرادی که وقتی به داخل خانه آن‌ها می‌روید؛ پیش یا بیش از هر چیزی کتاب در گوشه و کنار آن به چشم می‌خورد. در مجموع در عین حالی که این افراد عموماً کتاب‌خوان حرفه‌ای هستند و تفریح و سرگرمی اولیه اکثریت آن‌ها پیدا کردن گوشه‌ای دنج برای خواندن کتاب است؛ اما ولع و طمع خریدن کتاب و افزوده شدن کتاب‌ها و پر شدن قفسه کتابخانه و حتی برچسب کتاب جمع‌کن حرفه‌ای را یکدیگر می‌کشند و حتی از سوی اعضای خانواده، دوستان و همکارانشان به دلایل گوناگون سرزنش می‌شوند.

امیدوارم فرزندانم کتاب‌خوان شوند

سعید صدقی، روان‌شناس و موروث‌نویس کتاب، گفت: من خود سعی کردم با فرزندانم به‌گونه‌ای رفتار کنم که با کتاب مانوس بشوند. مثلاً برایشان کتاب می‌خوانم یا آن‌ها همیشه من را در حال کتاب‌خوانی می‌بینند. به‌شخصه امیدوارم و دلم می‌خواهد به خاطر این مواجهه مستمرشان، کتاب‌خوان شوند و از موهبت کتاب‌خوانی بهره‌مند شوند. وی افزود: حقیقت امر چند وقت پیش در پس ذهنم، به‌گونه‌ای به پرسش شما فکر کردم. اینکه احساس کردم میراثی (کتاب) را جمع کرده‌ام که امیدوارم یک روزی به دردتان بخورد. سعید صدقی ادامه داد: بعضی وقت‌ها که در داخل کتاب‌ها خط می‌کشم یا یادداشتی می‌نویسم، با خودم فکر می‌کنم شاید یک روزی در آینده فرزندانم این کتاب‌ها را دست بگیرند و یادگیری من را ببینند و حتی فرزندان آن‌ها نیز به سراغ این کتاب‌ها بروند و آن نوشته را ببینند که امیدوارم برایشان جالب باشد. البته این مسئله یک امید خیلی دوردستی است ولی باز امیدوارم و حتی آرزو دارم در آینده از داشته‌هایم (کتاب‌هایم) که از قضا هر روز هم به تعدادشان افزوده می‌شود، بهره‌مند شوند. وی سپس گفت: اما همان‌طور که زندگی چیزی به آرزوهای ما بدهکار نیست و ما می‌توانیم هزاران چیز از آن بخواهیم و به هزاران چیز هم نرسیم. ممکن است این آرزو (حفظ میراث کتابی پدر) محقق نشود؛ آن‌هم با وضعیت ابزارهای تکنولوژیک که هر روز پیش می‌رود و همچنان که اکنون وقت زیادی از ما می‌گیرد، ممکن است در آینده بیشتر شده و بچه‌های ما خیلی سمت کتاب و مطالعه نروند.

آرزو دارم از کتابخانه‌ام مراقبت کنند

صدقی در ادامه ضمن ذکر خاطره‌ای از دوران آغاز کتاب‌خوانی‌اش، گفت: یکی از تصویری که در ذهنم شکل بسته، تصویری از خودم در سنین پیری است که یک پسر نوجوانی شبیه خودم را می‌بینم که به همان اندازه من در سنین نوجوانی برای کتاب داشتن و کتاب خریدن و خواندنش عطش، شوق و التهاب دارد. این تصویر همیشه در ذهن من است که آن دختر یا پسر نوجوان را می‌شناسم و کتاب‌هایم را وصیت می‌کنم که در اختیار این دوست قرار بگیرد تا او هم بتواند از این گنجینه بهره‌بردار شود. وی ادامه داد: یکی از آن چیزهایی که من را در هنگام مُردنم آرام می‌کند این است که تصور می‌کنم آن نوجوان در آن لحظه احساس خوشبختی و ثروتی خواهد کرد؛ چرا که اگر من هم در سنین نوجوانی ام این اتفاق برابرم رخ می‌دهد، این احساس را داشتم؛ هر چند اکنون هم این اتفاق برابرم بیفتد خوشحال می‌شوم.

گاهی اوقات در بین کتاب‌هایم می‌نشینم

هدایت الله امینیان، مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه

گنبدکاووس و مدیر انتشارات نارنجستان نیز گفت: بارها از من پرسیده شد این‌همه کتاب خریدی که چی و آخرش می‌خواهی چکار کنی و من پاسخی برای آن‌ها بعضاً نداشتم؛ اما پرسش شما جدی و خلاقانه بود و نشان می‌دهد که فکری پشتش است و من را بار دیگر به فکر فرو برد. این سؤال‌ها از جمله پرسش‌هایی بوده که سال‌ها است دغدغه ذهنی‌ام بوده و به آن فکر کرده‌ام و بعضاً هم به پاسخ‌هایی هم رسیدم. وی افزود: گاهی اوقات در بین کتاب‌هایم می‌نشینم و حتی روی آن‌ها می‌نشینم و یا همین سؤال‌ها را از خودم می‌پرسم که بعد از مرگم و یا حتی شاید زودتر، قبل از آنکه بمیرم کتاب‌هایم چه عاقبتی پیدا خواهند کرد. او ادامه داد: در کتابخانه من در حال حاضر حدود ۸ هزار عنوان کتاب با تنوع موضوعی و مربوط به برهه‌های متعدد زمانی گوناگون به چشم می‌خورد. بارها نشستم و یک حساب‌وکتاب کردم و حتی بخش زیادی از کتاب‌هایم را در فهرستی شامل عنوان، مؤلف، ناشر و حتی تعداد صفحات و قیمت ثبت کرده‌ام. وی افزود: طی یک برآورد سرانگشتی با توجه به هزینه‌های چاپ امروز و با توجه به قیمت پشت جلد کتاب‌ها که اکثر امروپه به‌پیش از سال ۱۴۰۰ و حتی دورتر است، بدون ارزش‌گذاری معنوی و با یک حساب سرانگشتی بالغ بر ۲ میلیارد تومان قیمت دارم. امینیان گفت: بارها فکر کردم که پیش از مرگم برای این کتاب‌ها چه می‌توانم انجام بدهم یا چه بلایی سرشان می‌آید. در ساده‌ترین حالت ممکن است اهل خانه در چند جعبه آن‌ها را گذاشته و حتی کیلویی به کهنه‌خرا یا به این‌وآن بدهند. یا مثلاً هر علاقه‌مند کتابی که به منزل می‌آید به او کتابی هدیه بدهم؛ آن‌هم کتاب‌هایی که حدود نیم‌قرن خواندی و برای تهیه‌اش زحمت کشیدی و حتی امانت دادی و داشته‌ات را با کلی خاطرات به اشتراک گذاشتی.

کتاب‌ها و چالش بزرگ نگهداری

وی افزود: آدم‌هایی در سن و سال و موقعیت اجتماعی من به نظر ۲ راه بیشتر ندارند. نخست به نفر بعدی که معمولاً همسر و فرزند و اقوام درجه خودشان بسیارند یا اینکه آن را به کسی که شایسته است بدهند تا نگه دارد یا آن را به نهاد، کتابخانه، مسجد یا سازمان‌هایی یکجا اهدا کنند. وی افزود: همچنین تحویل این کتابخانه به نفر بعدی هم تمام این هزینه و دشواری‌ها را در پی دارد و آن نفر بعدی به نظرم «خیلی» باید علاقه‌مند باشد که چنین دشواری و مسئولیتی را تقبل بکند که این حجم کتاب را در داخل خانه خودش یا هر مکانی نگه‌داری کند و متعهد باشد آن‌ها را نگه دارد و به نفر بعدی بسپارد.

کتابخانه جامع شهر تاسیس شود

امینیان با اشاره به اینکه راه دیگری چون درخواست تاسیس کتابخانه خصوصی توسط خودم هم می‌تواند یک‌راه باشد، گفت: همین بنا کردن کتابخانه خصوصی هم مشقات خاص خودش را دارد. از تحت نظارت نهاد کتابخانه‌پایه تا ثبت یک تشکل مردم‌نهاد گرفته تا انتخاب فضایی برای تاسیسش که خود بحث مفصلی را می‌طلبد. هر جای این شهر بگردید یک فضای ۱۰۰ متری برای آن بخرید یا اجاره کنید باز

گفت: به‌شخصه باور دارم تنها میراث عینی که از خودم به‌جا می‌گذارم نه پول، نه ماشین، نه خانه و مغازه است بلکه به نظرم متن‌هایی که نوشتم، فیلم‌هایی که در آن بازیگری کردم یا ساختم و همین کتاب‌ها هستند. این‌ها «میراث عینی» من است و شاید آدم‌ها بعد از رفتن من به آن رجوع کنند و من را به یاد بیاورند. وی در پایان گفت: همچنین من را با کتاب‌ها و نویسندگانی که از آن‌ها زیاد مثال زدیم ممکن است به یاد بیاورند و یا ارجاع‌اتم به کتاب‌ها یادآور من باشد. به‌هرحال شاید این تصویر نهایی من باشد که یک روز بنشینم و روی کاغذ اسم آدم‌هایی را کتاب‌خوان و دوستان کتاب‌خوان دیده و ندیده را بنویسم و با توجه به علاقتشان آن‌ها را برایشان به ارث بگذارم.

کتاب‌ها بخشی وابسته به دنیای ما هستند

عیسی امن‌خانی، عضو هیئت علمی دانشگاه گلستان و عضو هیئت مدیره انجمن نقد ادبی ایران که از وی کتاب‌هایی با عناوینی چون درباره تجدید ادبی، نگاهی تازه به نظریه ادبی، تبارشناسی نقد ادبی ایدئولوژیک و آگزیستانسیالیسم و ادبیات معاصر ایران روانه بازار نشر شده است، گفت: سؤال‌های سختی از من پرسیدید. حقیقت امر کتاب‌ها برای ما مثلاً حکم میز یا میبل و از این قبیل اشیاء نیستند که خیلی راحت فکر کنیم که بعد از ما به چه سرنوشتی دچار می‌شوند. وی افزود: کتاب‌ها بخشی وابسته به دنیای ما هستند؛ حالا نه مثل فرزند اما خب نسبت عمیقی با ما دارند و گاهی فکر کردم که مثلاً اگر پس از من بنا باشد روزی بچه‌هایم خانه و یا هر چیزی که به‌عنوان ارثیه است بین خودشان تقسیم می‌کنند، کتاب‌ها را به‌نوعی دیگر ببینند و برایشان احترام قائل بشوند. حداقل به آن‌ها به چشم یک وسیله زائد نبینند و یا مثلاً به کسی کیلویی نفروشد. عیسی امن‌خانی ادامه داد: من خودم شاید بهترین تصمیمی که می‌توانم بگیرم همان سنتی است که خیلی از بزرگان انجام داده‌اند، یعنی وقف کتابخانه به محیط‌های دانشگاهی و با توجه به نوع کتاب‌های خودم، اهدا به یک دانشگاه تازه تاسیس یا بنیاد دایره المعارف و قرار گرفتن در یک قفسه اختصاصی در ذهن دارم.

چند گونی خیلی بزرگ کتاب

وی در ادامه خاطره‌ای را به یاد آورد و گفت: روزگاری من به دنبال کتاب‌هایی مربوط به دهه ۵۰ یا اوایل انقلاب و دهه ۶۰ می‌گشتم و پیدا نمی‌کردم. یک روز به جمع‌بازار کتاب رفته بودم تا اینکه یک وانتی با چند گونی خیلی بزرگ آمد. وقتی در گونی‌ها باز شد، متوجه شدم کتاب‌ها از آن‌کسی بوده و خانواده‌اش یکجا آن‌ها را فروخته و من در آن لحظه کتاب‌هایی که سال‌ها به دنبالش بودم را پیدا کردم و خیلی خوشحال شدم. حالا من بهترین و بدترین حالتش را گفتم و آینده را نمی‌دانم که دنیا در ادامه چگونه خواهد بود و نسل‌های بعد چگونه رفتار خواهند کرد و اینکه چه کاری با کتاب‌های من خواهد شد. وی افزود: با شناختی که از بچه‌های خودم دارم فکر می‌کنم به‌خصوص دخترم باران که به حوزه علوم انسانی علاقه دارد یک بخش‌هایی را نگه دارد. به گزارش اینها، باوجود آنکه قفسه‌های کتاب خانگی به‌خصوص برای اجاره‌نشین‌ها نسبت به گذشته کم شده است؛ اما هنوز در هر گوشه و کنار این مرز پرگهر و جهان میلیارد نفری افرادی هستند که گوشه یا بخش قابل توجهی از خانه خود را به کتابخانه شخصی اختصاص داده‌اند. افرادی که ممکن است در گذر زمان این پرسش‌ها را از خود ولو برای یک بار هم که شده پرسیده باشند و حتی به نتایجی رسیده باشند و یا بالعکس همچون برخی افرادی که به سراغشان برای تهیه این گزارش رفته‌ام اما عنوان داشتند که حتی دوست ندارند به این پرسش‌ها و سرنوشت کتابخانه‌هایش فکر کنند. دو پرسشی که به باور برخی صاحب‌نظران، نمی‌توان چندان از منظر علوم اجتماعی و روان‌شناسی به آن پرداخت، زیرا یک تجربه زیسته شخصی و حسی خاص است و هیچ‌کسی جز مالک کتابخانه خانگی که سال‌ها با آن مانوس شده نمی‌تواند درست و کامل و جامع درباره احساس اکنونش و آینده احتمالی دلخواه یا به‌اجبار کتابخانه‌اش نظری بدهد.

تردید ندارم کتاب‌ها خواهند ماند

کیومرث سلیمانیان، داستان‌نویس و سینمایی‌نویس نیز درباره این پرسش‌ها، گفت: من احتمالی که بعد از خودم برای کتاب‌هایم متصور هستم این است که چون پسر (راستین) هم علاقه‌مند به کتاب و کتاب‌خوانی است به‌احتمال زیاد این کتاب‌ها را حفظ می‌کند و در تمام سال‌های زندگی مشترک من و همسرم (غزال) کتاب‌ها جزئی از اسباب و اثاثیه منزل شده است و انگار خانه ما بی‌کتاب معنی نمی‌دهد. وی افزود: خود همسرم هم کتاب‌خوان است و تردید ندارم بعد از من هم کتاب‌ها خواهند ماند و در همین خانه می‌ماند. سلیمانیان ادامه داد: ولی خودم دوست دارم سرنوشت کتاب‌هایم جور دیگری رقم بخورد. دوست دارم آدم‌های کتاب‌خوانی که می‌شناسم لیست بگیرم و با توجه به علایق آن‌ها کتاب‌ها را برایشان به ارث بگذارم. شاید برای یکی تنها یک جلد کتاب باشد و شاید برای فرد دیگری شاید ۵۰ جلد کتاب باشد.

کتاب‌ها میراث عینی من هستند

وی افزود: بعضاً حتی دوستان ندیده‌ای دارم که طی سال‌ها من در فضای مجازی با آن‌ها آشنا شدم و به عبارتی همدیگر را پیدا کردیم و یک تصور و رؤیایی از یکدیگر داریم و یا حتی واقعیتی را از همدیگر ساختیم. من دوست دارم حتی بعضی از این کتاب‌ها به آن‌ها ارث برسد. حتی فرض می‌گیرم اگر قرار باشد روزی با این جزئیات برای توزیع کتاب میان افراد وصیت‌نامه‌ای را بنویسم در این میان شاید پسرم دوست داشته باشد بخشی از آن‌ها را خودش بردارد یا همسرم بخواهد که این حالت بی‌شک اولویت آن‌ها هستند. سلیمانیان مقدم

چند روش برای افزایش عزت نفس در کودکان



عزت نفس یکی از احساسات بشری که به ما کمک می کند تا در مسیر زندگی راه درست را انتخاب کنیم؛ اینکه چگونه می توانیم عزت نفس بالا تربیت کرد تا از عهده کارهای خود برآیند، یکی از دغدغه های والدین است. به گزارش ایرنا زندگی، حرمت خود یا عزت نفس بالا یکی از راه کارهایی است که کودک به وسیله آن به مقابله با چالش های دنیای پیرامون خود می پردازد. کودکانی که در مورد خودشان احساس خوبی دارند، در حل تعارض ها و مقابله با فشارهای منفی نیز راحت تر برخورد خواهند کرد. آن ها به راحتی می خندند و به خوبی از زندگی لذت می برند. این کودکان، واقع بین و در کل افرادی خوش بین هستند. در مقابل، در کودکانی که دارای سطح عزت نفس پایینی هستند، چالش ها می توانند منابع اصلی ناکامی ها و اضطراب آن ها باشند. کودکانی که نسبت به خودشان احساس ضعیفی دارند، سخت تر به حل مشکلات و یافتن راه حل های مناسب می رسند. در حالی که از افکار خود انتقاد گراهی ای چون: «من نمی توانم هیچ کاری را درست انجام دهم» یا «من خوب نیستم» آزرده شده و رنج می برند، ممکن است فردی منفعل، منزوی و افسرده باشند. چنان که در رویارویی با یک چالش جدید سریع ترین عکس العملشان: «من نمی توانم» است.

عزت نفس چیست؟

عزت نفس یا حرمت خود مجموعه ای از عقاید و احساسات است که ما درباره خودمان داریم که به آن «ادراک از خود» نیز گفته می شود. به عبارت دیگر درجه ارزیابی فرد از خود، توانایی ها، شایستگی ها و میزان ارزشی که شخصی، برای خود قائل است، چگونگی تعریف ما از خودمان بر انگیزش ها، گرایش ها و رفتار ما نفوذ می کند و همچنین بر تعدیل هیجانی ما نیز اثر می گذارد. الگوهای عزت نفس در اوایل زندگی شکل می گیرد. برای مثال زمانی که یک نوزاد با یک کودک نوپا به بازی می خود می رسد، احساس دست یافتن را تجربه می کند که این احساس، عزت نفس او را تصدیق می نماید. آموختن این که بعد از شکست های متوالی ناامید نشدن و برگشتن به کوششی دوباره و در نهایت ماهر شدن در دست گرفتن قاشق و به دهان گذاشتن آن هریاب که کودک چیزی می خورد به او این انگیزش را که «می توانم» می آموزد. مفهوم موفقیت به دنبال تاووم و پایداری شکل می گیرد. زمانی که یک کودک تلاش می کند، شکست می خورد دوباره تلاش می کند، دوباره شکست می خورد و نهایتاً بالاخره پیروز می شود، او در این هنگام عقیده اش در مورد قابلیت های خود پیشرفت می کند و رشد می یابد. در همین زمان او یک خود پنداشت بر مبنای تقابل هایش با دیگران شکل می دهد. عزت نفس همچنین این گونه نیز تعریف می شود: «مجموعه ای از احساسات از قابلیت ها و احساسات دوست داشته شدن». کودکی که با یک پیروزی شاد است ولی احساس دوست داشته شدن نمی کند ممکن است در نهایت عزت نفس پایینی داشته باشد. همچنین کودکی که احساس دوست داشته شدن می کند ولی نسبت به توانایی های خود تردید دارد و اطمینان حاصل نکرده نیز ممکن است در نهایت عزت نفس پایینی داشته باشد. عزت نفس سالم زمانی شکل می گیرد که تعادل درستی بین این دو احساس به وجود می آید. سطوح عزت نفس در کودک به موازات رشد او در حال نوسان است. بسیاری از اوقات این تغییرات و موفقیت ها در اثر تجربیات و ادراک های جدید کودک است. این موضوع به والدین کمک می کند که نشان های عزت نفس سالم و ناسالم را در کودک خود ببینند.

کودکی که عزت نفس پایین دارد:

۱. ممکن است که تمایلی به آزمون موضوعات تازه نداشته باشد.
۲. همچنین این کودک اغلب در مورد خودش منفی صحبت می کند جملاتی شبیه: من یک احمق هستم یا من هیچ گاه انجام این کار را یاد نخواهم گرفت.
۳. این گونه کودکان سطح سازش پایین در رویارویی با فرد دیگری برای تخریب، یا منع کردن و یا منتظر ماندن نشان می دهند.
۴. کودکان با عزت نفس پایین نسبت به خودشان متعقد هستند و به آسانی افسرده می شوند. در کل یک حس بدبینی در آن ها وجود دارد.

کودکی که عزت نفس سالمی دارد:

۱. از تعامل با دیگران لذت می برد.
۲. در مجامع عمومی راحت است و از شرکت در فعالیت های اجتماعی استقبال می کند.
۳. به هنگام رخ دادن چالش ها، در برخورد با آن ها برای یافتن راه حل مناسب توانمند است.

۴. شکایت های خود از امور را بدون تحقیر خود و یا دیگران ابراز می کند. برای مثال به جای گفتن: «من یک احمق هستم» می گوید: «من این موضوع را نمی فهمم»
۵. او توانایی ها و ضعف های خود را می شناسد و آن ها را می پذیرد و دارای نوعی حس خوشبینی است.

والدین چه می توانند بکنند؟
بر اساس پایشی که مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم انجام داده است، اینکه چگونه والدین می توانند به پرورش یک عزت نفس سالم کمک کنند یکی از مهمترین پرسشهای تربیتی کودکان است؛ در اینجا چند پیشنهاد که می تواند کمک خوبی باشد ارائه می شود:

بنگرید چه می گویند:
کودکان نسبت به گفته های والدین بسیار حساس هستند. به یاد داشته باشید که کودک خود را نه تنها هنگامی که کاری را به خوبی انجام می دهد، بلکه زمانی که تلاش می کند، او را ستایش و تشویق نمایید، البته راستگو باشید. برای مثال اگر کودک شما یک تیم فوتبال ترتیب نمی دهد، به جای این که بگویید: «خب در آینده تلاش بیشتری خواهی کرد و این تیم را ترتیب می دهی» باید بگویید: «خب تو یک تیم فوتبال ترتیب ندادی ولی به خاطر تلاشی که برای انجام آن از خود نشان دادی من واقعا به تو افتخار می کنم». به جای پاداش دادن به نتیجه، به تلاش و اجرا و تکمیل کار کودک پاداش و بها بدهید.

نقش یک الگوی مثبت را داشته باشید:

اگر شما نسبت به خودتان خشونت زیاد داشته باشید، نسبت به توانایی ها و محدودیت هایتان بدبین و غیر واقع بین باشید، ممکن است کودکان در نهایت آینه شما باشند. عزت نفس خود را پرورش دهید تا کودکان الگوی خوبی در اختیار داشته باشند.

عقاید و افکار نادرست کودکان را شناخته و اصلاح کنید:

این مهم است که والدین افکار غیر منطقی کودک را نسبت به خودش بشناسند، همچنین افکار و عقاید او نسبت به کمال، رشد و جذابیت ها، توانایی ها و چیزهای دیگر. به کودک خود کمک کنید که در ارزیابی از خودش منطقی تر و دقیق تر عمل کند. ادراک نادرست از خود ممکن است ریشه بگیرد و به صورت یک واقعیت برای کودک جا بیفتد. برای مثال کودکی که در مدرسه خوب عمل می کند ولی در درس ریاضی مشکل دارد ممکن است بگوید: «من نمی توانم ریاضی یاد بگیرم، من دانش آموز پستی هستم». نه تنها این یک تعمیم غلط است بلکه یک عقیده است که کودک را برای شکست آماده می سازد. کودک خود را تشویق کنید تا درک روشنی از موقعیت داشته باشد. یک پاسخ یاری دهنده می تواند این باشد که: «تو یک دانش آموز خوب هستی، تو در مدرسه خیلی خوب هستی، فقط در درس ریاضی باید وقت بیشتری صرف کنی، چه طور است با هم روی آن کار کنیم».

با کودک خود مهربان و خود انگیزه باشید:

محبت شما در بالا بردن سطح عزت نفس کودکان نقش بسیار مهمی ایفا می کند. کودک خود را در آغوش بگیرید. به کودکان بگویید به او افتخار می کنید. در ظرف خوراکی که برای مدرسه او می گذارید یک یادداشت محبت آمیز قرار دهید مثلاً روی آن بنویسید: «من فکر می کنم تو محشری، تو فوق العاده هستی!» هر چند بار یک بار و با صداقت او را ستایش کنید بدون آن که در این کار افراط و اغراق نمایید. کودکان می توانند آن چه را که از دل بر می آید تشخیص دهند.

باز خورد مثبت و درست بدهید:

یک جمله معمول مثل: «تو همیشه در انجام کارها زیاده روی می کنی» باعث می شود کودک در مورد خودش فکر کند که هیچ کنترل در ابزارها و ظهور احساساتش ندارد. جمله بهتر این است که: «تو واقعا برادرت رو دوست داری و من از این که او را نزدی و بر سرش فریاد نکشیدی از تو تقدیر می کنم» این تشویق به کودک کمک می کند انتخاب درستی داشته باشد.

محیط امن تربیتی را در خانه به وجود آورید:

کودکی که در خانه احساس امنیت نمی کند و از ترس سوء استفاده از او رنج می برد و در هراس است از عزت نفس پایینی برخوردار است. کودکی که پدر و مادرش ملام در حال بحث، جدل و خشونت هستند، افسرده و منزوی می شود. همیشه به یاد داشته باشید که به کودک خود احترام بگذارید. خانه را به

بهشتی امن برای افراد خانواده تبدیل کنید؛ مراقب مسائل سوء استفاده توسط دیگران، مشکلات مدرسه، مسأله با همسالان و دیگر عوامل بالقوه که ممکن است بر روی عزت نفس کودک شما تأثیر بگذارد باشید. نسبت به این مسائل حساس باشید و سریع رسیدگی کنید.

به کودکان کمک کنید تا در تجارب مفید مشارکت داشته باشند:

فعالیت هایی که همکاری را بیشتر از رقابت تشویق می نماید به ویژه در پرورش عزت نفس نقش مهم دارند. برای مثال دیدن برنامه هایی که کودکان بزرگتر کودکان کوچکتر را راهنمایی می کنند یا کودک بزرگتر به کودک کوچکتر خواندن می آموزد برای هر دوی آن ها شگفت انگیز و جالب است.

یافتن کمک های حرفه ای:

چنان چه شما فکر کنید که کودکان از عزت نفس پایینی برخوردار است می توانید به کمک های حرفه ای مراجعه نمایید. مشاوران کودک و خانواده می توانند در تشخیص امور زیربنایی که در این زمینه نقش دارند شما را یاری دهند. درمان می تواند راهی برای تشخیص دیدگاه های کودک در مورد خودش باشد. همچنین می تواند به کودک این توان را بدهد که ابتدا نسبت به خود واقع بین باشد، سپس آن چه را در مورد خود می پذیرد، درست است، با کمکی اندک به کودک می توان عزت نفس سالم را در او پرورش داد تا زندگی پر از شادی داشته باشد.

چند راهکار ساده برای تقویت عزت نفس کودکان

۱. در برخورد با کودکان و نوجوانان ملایم و منطقی باشید.
۲. اجازه ابراز وجود را به کودکان خویش بدهید. و به نظریات آن ها احترام بگذارید.
۳. از مقایسه کردن کودکان با هم یا با دیگران جداً پرهیزید.
۴. هیچ گاه نظریات خویش را به کودکان تحمیل نکنید. (تا حد امکان نظریه خود را ساده و عینی - قابل لمس و درک برای کودک - توضیح دهید).
۵. همواره سعی کنید توانمندی های کودکان و نوجوانان را مد نظر قرار دهید نه ضعف ها و ناتوانی های آنان را.
۶. به کودکان خود در حد توانایی هایشان مسئولیت دهید.
۷. تجارب موفقیت آمیز کودک و نوجوان را افزایش دهید تا از این طریق عزت نفس بالایی در آنان شکل گیرد.
۸. فرزند خود را محکم، مستقل و منضبط بار آورید. سعی کنید عصبانیت، شما را از حالت اعتدال خارج نکند. اگر او بلداند که شما آدم منصفی هستید، احترام و محبتی را که نسبت به شما دارد، از دست نخواهد داد. حتی کوچکترین بیجه عدالت را بخوبی حس می کند.
۹. به کودک خویش در حد لزوم اجازه فعالیت و بازی دهید.
۱۰. مهارت های اجتماعی کودک و نوجوان کمرو و دارای عزت نفس پایین را تقویت کنید.
۱۱. همیشه در برخورد با کودک حالت پذیرندگی، و نه طرد کنندگی، داشته باشید.
۱۲. با همسر خویش، جبهه متحد تشکیل دهید. هرگز با فرزند خود علیه همسران متحد نشوید. این عمل ممکن است در فرزندتان (و نیز در خود شما) کشمکشهای عاطفی ایجاد کند.

چنین عملی موجب برانگیختگی احساسات مخرب چون: گناه، حقارت، شرمندگی و نا امنی خواهد شد.
۱۳. از بیش از حد وابسته کردن کودک به خودتان پرهیزید.
۱۴. کودک یا نوجوان خود را با الگوهای رفتاری مطلوب آشنا کنید.
۱۵. کودکان خویش را هیچ گاه با موضوعات خرافاتی (دیو، پری، غول، ...) نترسانید.

توجه داشته باشید که محبت به یک کودک موجب بی توجهی به کودک دیگر نشود.
۱۷. هر چه را که دل کوچک فرزند شما می خواهد در اختیار او مگذارید. به او فرصت دهید تا ارزش به دست آوردن و لذت استحقاق داشتن را درک کند. بالاترین رضایت خاطر را به او اعطا کنید و آن لذتی است که از انجام کارهای بزرگ شخصی به وی دست می دهد.

۱۸. نسبت به احساسات و عواطف کودکان یا نوجوانان خود بی تفاوت نباشید، آن ها را به گرمی بپذیرید و تا حد امکان آن ها را یاری کنید.
۱۹. تحمل کودک یا نوجوان را برای مواجه شدن با ناکامی های احتمالی افزایش دهید.
۲۰. با کودکان خود مثل یک دوست صمیمی برخورد کنید.
۲۱. توجه داشته باشید که مشاجرات لفظی در خانه (میان پدر و مادر) در روحیه یا رفتار کودک و نوجوان منعکس می شود.
۲۲. به سرگرمی ها و تفریحات مناسب در زندگی کودکان اهمیت دهید و نسبت به آن بی تفاوت نباشید.

۲۳. محبت شما نسبت به فرزندتان به صورت تظاهرات سطحی ابراز نشود. خالص ترین و سالم ترین محبت در تلاشی که به طور روزمره برای اعطای اعتماد به نفس و استقلال به فرزندتان به عمل می آید، جلوه گر می شود.
۲۴. در محبت کردن به کودکان راه افراط یا تفریط (زیاد یا کم) را در پیش نگیرید، محبت متوسط توأم با صمیمیت، اثر فراوان تری دارد.
۲۵. به فرزندتان احساسی بدهید که بلداند دوست داشتنی و قابل احترام است، اما هرگز با او «نوازاد و را» رفتار نکنید.
۲۶. توقعات کودک را در حد معقول و درست برآورده سازید.
۲۷. هیچ گاه کودکان را با القاب نامناسب صدا نزنید و از مسخره کردن آن ها جدا پرهیزید.
۲۸. در پرورش استعداد های بالقوه کودکان جدید به خرج دهید.
۲۹. سرانجام برای آن که کودکی با عزت نفس بالا پرورش دهیم، باید خود دارای عزت نفس شایان توجهی باشیم.

مهربان و معلمان بلداند
برای بالا بردن سطح عزت نفس دانش آموزان، معلمان و مربیان باید این دو نکته را در نظر بگیرند:
الف) در شرایط آموزشی، بر فعالیت دانش آموزان در یادگیری تأکید شود نه بر پیشرفت آنان؛ زیرا تأکید بر فعالیت یادگیری، به جای تأکید بر درستی و نادرستی پاسخ، برانگیخته کوشش های دانش آموزان است.

ب) رقابت میان دانش آموزان برای کسب نمره کاهش یابد. تحقیقات نشان داده است در موقعیت های آموزشی که میان دانش آموزان رقابت وجود دارد، حتی دانش آموزانی که عزت نفس بالایی دارند با شکست روبرو می شوند و به دنبال آن انتقاد از خود در آن افزایش می یابد.



آگهی مزایده عمومی فروش املاک و مستغلات

شماره ۱۰۰۰۰۰۰۰۱۳۸۱۳۰۰۲۰۰۲ (نوبت چهارم) مدیریت بانک کشاورزی استان گلستان

بانک کشاورزی در نظر دارد

املاک و مستغلات مازاد بر نیاز خود را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده، با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (Setadiran.ir) و با شماره مزایده ۰۲۰۰۲۰۳۸۱۳۰۰۰۰۱ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۵

مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۲/۱۲/۵ الی ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ ساعت ۱۵

تاریخ باز دید: ۱۴۰۲/۱۲/۵ الی ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

مهلت ارسال پیشنهاد: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶ ساعت ۱۵ - تاریخ بازگشایی: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ ساعت ۹ صبح

تاریخ اعلام به برنده: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

شرایط عمومی و توضیحات برگزاری مزایده دستگاه اجرایی ضمن رعایت موارد ذیل الزامی است:

۱. برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده گران محترم از این طریق امکان پذیر می باشد.

۲. کلیه اطلاعات املاک و مستغلات شامل مشخصات، شرایط و نحوه فروش در برد اعلان عمومی سامانه مزایده، قابل

مشاهده، بررسی و انتخاب می باشد.

۳. علاقمندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند:

مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۰۲۱-۴۱۹۳۴

اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه www.setadiran.ir بخش «ثبت نام/پروفایل مزایده گر» موجود است.

شماره کارشناس مربوطه: ۰۱۷۳۲۳۳۰۲۶-۸

۴. سپرده شرکت در مزایده معادل ۵ درصد مبلغ پایه مندرج در آگهی مزایده میباشد که طبق مندرجات اسناد مزایده، می بایست به صورت نقدی نزد بانک کشاورزی شعبه محل وقوع ملک یا هر یک از شعب بانک کشاورزی در استان واریز و رسید آن ارائه گردد و یا معادل مبلغ مذکور چک تضمین شده بانکی و یا ضمانت نامه معتبر بانکی و یا به شماره حساب ۱۵۱۵۱۰۱۴۸۹۰۰۹ به نام بانک کشاورزی نزد بانک ملی واریز و فیش آن ارائه گردد.

۵. بازدید از املاک و مطالعه سوابق مربوطه قبل از شرکت در مزایده برای تمامی شرکت کنندگان ضروری می باشد.

۶. بانک در رد یک یا تمامی پیشنهادات خرید مختار است.

۷. کلیه املاک با وضع موجود به فروش میرسد و در صورت داشتن متصرف، تخلیه ملک به عهده خریدار است.

۸. هزینه نقل و انتقال اسناد مطابق عرف قانون معاملات می باشد.

۹. در فروش به روش نقد و اقساط نوع عقد تنظیمی اجاره به شرط تملیک خواهد بود.

جدول نحوه پرداخت ثمن معامله املاک تملیکی بانک کشاورزی

ردیف	شرایط پرداخت	میزان پرداخت نقدی	میزان پرداخت غیر نقدی
۱	الف	٪۱۰۰	-
۲	ب	٪۵۰	٪۵۰ به مدت ۳۶ ماه (با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار)
۳	ج	٪۳۰	٪۷۰ به مدت ۳۶ ماه (با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار)

ردیف	شماره پرونده	نام شعبه	آدرس	مشخصات ثبتی ملک	نوع ملک	متراژ کل		قیمت پایه (ریال)	نحوه پرداخت ثمن معامله	توضیحات
						عرصه	اعیان			
۱	۷۳۵۳	بندرگز	بندرگز، خیابان امام خمینی جنب پارک جنت	شش دانگ یک واحد منزل مسکونی به مساحت دو هزار و پانصد و نود و پنج متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۳۲۳ فرعی از اصلی (عرصه) و ۹۱ اصلی (اعیان)	مسکونی	۲۵۹۵	۶۹۷	دو بیست و چهار میلیارد و سیصد و بیست میلیون ریال	شرایط بند الف جدول صدر الذکر	ملک با وضعیت موجود در تصرف مالک اولیه می باشد تخلیه بر عهده برنده مزایده می باشد.
۲	۷۳۱۳	بندرگز	بندرگز، خیابان شهید جلیلی	۲،۲ دانگ مشاع از شش دانگ یک واحد منزل مسکونی به مساحت کل یکصد و هفتاد و هشت متر و شصت و دو دسی متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۳۴۶۹ فرعی از یک اصلی و ۲۷۰۹ اصلی	مسکونی	۱۷۸،۶	۱۷۵	سیزده میلیارد و نهصد و سی و چهار میلیون ریال	شرایط بند الف جدول صدر الذکر	ساختمان مسکونی ۲ طبقه (همکف اول) و با وضعیت موجود در تصرف مالک اولیه می باشد تخلیه بر عهده برنده مزایده می باشد.
۳	۷۳۳۸	بندر ترکمن	بندر ترکمن، خیابان بهشت ۱۳، کوچه فروغی ۲	مقدار یکصد و هشتاد و شش متر و هشتاد و هشت دسی متر مربع مشاع از شش دانگ یک واحد منزل مسکونی به مساحت پانصد و چهار متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۲۸۴۵ فرعی از یک اصلی	مسکونی	۵۰۴	۲۷۳	ده میلیارد و سیصد و نوزده میلیون و دو صد و هشتاد هزار ریال	شرایط بند الف جدول صدر الذکر	ملک با بنای احداثی ۲ طبقه و با وضعیت موجود در تصرف مالک اولیه می باشد تخلیه بر عهده برنده مزایده می باشد.
۴	۶۳۵۵	گرگان	گرگان، انتهای شهر خیام	شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت نه هزار و دو بیست و بیست و یک متر و چهل و شش دسی متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۳۵۸۷ فرعی از اصلی	زمین زراعی	۹۲۲۱/۴۶	-	هشتاد و چهار میلیارد و هفتصد و هشتاد و سه میلیون و نهصد و هشتاد هزار ریال	شرایط بند ج جدول صدر الذکر	ملک در تصرف بانک می باشد
۵	۶۷۲۲	بندر ترکمن	بندر ترکمن، کمیشان، جعفریای غربی، خواجه نفس	مقدار بیست و پنج هزار و هفتصد و سی و هشت سهم مشاع از پنجاه هزار سهم از شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت پنجاه هزار متر مربع به صورت زمین مزروعی به شماره پلاک ثبتی ۲۰۴۷ فرعی از یک اصلی	زمین زراعی	۵۰۰۰	-	نه میلیارد و هشتاد میلیون و سیصد و هشتاد هزار ریال	شرایط بند ج جدول صدر الذکر	ملک در تصرف بانک می باشد
۶	۷۳۱۷	آزادشهر	آزادشهر، روستای مرزین	مقدار دوازده هزار و یکصد و سه متر و پنجاه و پنج دسی متر مربع مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین زراعی به مساحت سی هزار متر مربع به شماره پلاک ثبتی ۵۸ فرعی از اصلی	زمین زراعی	۳۰۰۰	-	دوازده میلیارد و یکصد و سه میلیون و پانصد و پنجاه هزار ریال	شرایط بند الف جدول صدر الذکر	ملک با وضعیت موجود در تصرف مالک اولیه می باشد تخلیه بر عهده برنده مزایده می باشد.

شناسه آگهی - ۱۶۷۳۷۷۳



آگهی مزایده فروش خودرو

دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر در نظر دارد

خودروهای ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. علاقمندان می توانند از تاریخ انتشار آگهی بمدت ۱۰ روز کاری با مراجعه حضوری به امور مالی دانشگاه، نسبت به دریافت فرم استعلام اقدام و قیمت پیشنهادی خود را بصورت پاکت دربسته به حراست دانشگاه تحویل نمایند. جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره های ۰۹۱۱۲۷۲۱۱۴۱ و ۰۹۱۱۲۷۲۰۱۷۶ حوزه اداری دانشگاه تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر

ردیف	نوع وسیله نقلیه	سال تولید	قیمت پایه
۱	وانت مزدا ۲۰۰۰	۱۳۷۸	۱۰۰۵۰۰۰۰۰۰۰
۲	پژو RD	۱۳۸۸	۱۰۱۵۰۰۰۰۰۰۰
۳	پژو ۴۰۵ نقره ای	۱۳۹۱	۲۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰
۴	پژو TU5 سفید	۱۳۹۵	۳۰۲۵۰۰۰۰۰۰۰



کارگردانی:

تحلیل کارگردانی با توجه به تحلیل نمایشنامه (که هر دو یک نفر هستند) تحلیل بازیگری، تحلیل طراحی صحنه تقریباً واقع انگارانه، تحلیل صدا و تحلیل میزانشن به معنای حرکت و اجرا و اجرای هوشمندانه‌ی پشت صحنه (پارکینگ) همه نشان از دقت و سازماندهی دقیق عناصر پدید آورنده‌ی اثر هستند. اگر بپذیریم که کارگردانی یک نمایشنامه مجموعه‌ای از یادگیری دیدن بجای تماشاکن، کمک به بازیگران جهت ارتباط با متن و بازیگران دیگر و همچنین کشف روابط اصلی و تولد شخصیت‌های نمایشنامه در بازیگران باشد، کارگردان «بی‌هوده» در این اثر موفق عمل می‌کند. همین ویژگی‌ها تعادل کلام و حرکت و احساس را شکل می‌دهد. فضای دیداری و شنیداری در قالب شور و هیجان و عناصر بصری دیگر نفس تماشاکن را حبس می‌کند. مکتب رئالیسم بر همه‌ی این عناصر سایه افکنده است و ترکیب‌بندی واقع انگارانه‌ی طراحی صحنه با جزئیات دقیق نیز چنین وظیفه‌ای را به درستی به عهده گرفته است. یک نوع روش بازیگری وجود دارد به نام «بازیگری نامرئی» به این معنا که شما نقش را بازی می‌کنید بدون آن که بازی کردن پیدا باشد. در این شیوه چند خطر بازیگر رتهدید می‌کند. نخست آن که تکنیک بیان فراموش می‌شود و دوم آن که «خود بازیگر» در نقش حضور یابد. و سوم حذف رفتارها و تیک‌های بازیگر و جایگزینی رفتارها و تیک‌های نقش به جای آن. که متأسفانه هر سه‌ی این موارد در حوزه‌ی بازیگری رخ می‌دهد. و بزرگ‌ترین یا مهم‌ترین علت بروز چنین نادیده‌انگاری حضور کارگردان به عنوان بازیگر روی صحنه است. و متأسفانه نمی‌توان از بازیگر بدل در پروسه‌ی تمرینات استفاده کرد. زیرا که بازی و احساس پارتنرها با هر بازیگر تغییر می‌یابد. فضاسازی انگارانه‌ی واقعی بزرگترین حسن تئاتر بی‌هوده است. طراحی صحنه، لباس، صداها، باران پایانی، بازی‌ها، میزانشن‌ها، رنگ‌ها، کارگردانی و ... همه به صورت هارمونیک و یکدست در خدمت متن و اجرا هستند. اما چند نکته:

■ چند چرخش نادرست بازیگر

■ چند نفس‌گیری سرعتی نادرست در دو بازیگر

■ تکنیک بیان درست و دقیق در دیالوگ‌های سرعتی (که واژه‌ها و گاه حروف در فضای شنیداری حذف می‌شوند)

■ غرق شدن در نقش و درک نادرست سیستم استانیسلاوسکی در بازیگری (کتک زدن‌های ممتد بصورت کامل واقعی) که می‌شود کنترل شده باشد و تعدادش کمتر

■ حذف ماشین موتراشی که بسیار تأثیرگذار و نمادین بود. که راهکار داشت.

■ ایجاد یک شکاف بی‌مورد در فرق سر که نشان از علامت گذاری بر روی آدم‌هاست. تنها جاده واقعی برای سرنوشت‌های محتوم.

■ نور که می‌توانست بر اساس منبع روشنایی مصنوعی (لوستر) کمی سایه روشن طراحی شود و در انتها روی عکس جاده متمرکز شود و نیز پیکر بازیگران و اشیاء و حتا طراحی را سه بعدی نماید. و خیلی حرف‌های ناگفته که زمان و مکان و حجم نوشتار از ما می‌ریاید. به امید آنکه جناب رضوانی با همه‌ی سختی‌ها و شوریختی‌های تئاتر باز هم تئاتر کار کند.

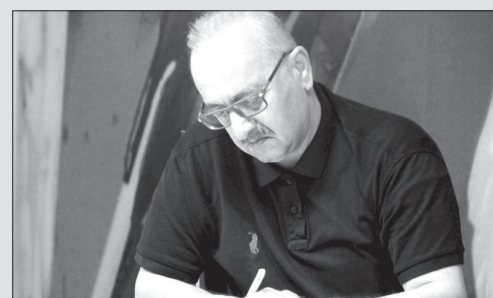
کم مباد مهرتان به تئاتر نویسنده و کارگردان

حال خوشبخت‌ترین کاراکتر نمایشنامه نیز هم اوست. کودک مرده. و همه‌ی آدم‌های دیگر به شدت درمانده‌اند. انصاری - همسر انصاری - منشی انصاری - نیلوفر - غلام ساقی - کاوه و کسری. به نظر می‌آید که همه بی‌هوده زنده‌اند. و آنکه باید می‌ماند کودک مرده است. نمایشنامه می‌گوید: ما بی‌هوده زنده ایم. بی‌هوده آسفالت می‌کنیم. بی‌هوده بدبختیم. بی‌هوده می‌میریم. بی‌هوده تلاش می‌کنیم. بی‌هوده آدم می‌کشیم. بی‌هوده سیب زمینی می‌خوریم. بی‌هوده حرف می‌زنیم و هزاران بی‌هودگی دیگر. لطفن شیفتگی مرانسیب به این اثر نادیده بگیرد زیرا من به آثار واقع انگارانه خیلی تعلق خاطر ندارم، چرا که از نگاه من تئاتر واقع گرایی نمی‌تواند وجود داشته باشد. معماری سالن تئاتر، تماشاکنان تئاتر، وفاداری ناتمام حتا به جزئیات تئاتر رئالیسم نورپردازی اغراق‌آمیز و فناوری‌های دیگر، مانع و پارازیت‌های تئاتر واقع گرایی است. اما ساختار دراماتیک اثر آتچنان تکانه‌دهنده و گاه دقیق است که زمان‌هایی از اثر پارازیت‌ها و موانع را در ذهن بیننده و تماشاکن حذف می‌کند. به نظر می‌آید که هیچ دیالوگی بی‌هوده نمی‌آید و تکرار نمی‌شود. و به شدت دیالوگ‌ها پیش برنده هستند. پرسش‌ها، معماها و تعلیق‌ها به تدریج خلق و ایجاد و تا پایان به آن‌ها در دنیای خود تئاتر پاسخ داده می‌شوند. نمایشنامه‌ها همانند زمان‌ها زمان زیادی برای تفسیر و تحلیل و بازشناخت شخصیت‌ها ندارند. و معجزه‌ی نمایشنامه‌ها در همین زمان کوتاه رخ می‌دهد. شخصیت‌پردازی، زبان شخصیت، الگوهای رفتاری و انگیزه‌های گفتاری و استدلال‌های منطقی، تحول، سقوط و تزکیه شخصیت‌ها باید در همین زمان کوتاه به نمایش درآیند و دیده و شنیده شوند. مهم‌ترین ویژگی نمایشنامه‌ی «بی‌هوده» غیرقابل پیش بینی بودن وقایع و حتا دیالوگ‌هاست. گره‌ها یک به یک بسته می‌شوند و گاه به زودی و زمانی دیرتر باز می‌شوند. خواننده و یا تماشاکن هر لحظه دچار دلهره است زیرا که نمی‌داند به کجا برده می‌شود. مثل همان عکس روی دیوار که جاده‌ای بهشت وار است، اما در دل تاریکی گم می‌شود. آدم‌های نمایشنامه از ابتدا درمانده‌اند و تا پایان در درماندگی عمیق‌تری فرو می‌روند. ربطی هم به طبقات اجتماعی جامعه ندارد. و در پایان بی‌سرنوشت در شهر و جهان بی‌چاره‌ها می‌شوند. بی‌تردید نمایشنامه به درستی هیچ دارویی برای درمان این درماندگی ندارد. اما می‌توانست غیر مستقیم به پیدایش شخصیت‌هایی نظیر کاوه، انصاری و غلام ساقی بپردازد. نه به دنبال مقصد، که علل پیدایش، رشد و تکثیر این آدم‌ها در ساختار و دنیای نمایشنامه اشاره کند. از دیگر عناصر قابل بررسی جایگزینی و تغییر غالب و مغلوب شخصیت‌های نمایشنامه است که بر اساس کوچک‌ترین و ساده‌ترین کلید معمایی، وضعیت آدم‌ها و به طبع آن دیالوگ‌های برنده و بازنده متغیر می‌شود. زبان و ادبیات نمایشنامه به شدت بیانگر طبقه‌ی اجتماعی و فرهنگی شخصیت‌هاست. حتا انصاری تازه به دوران رسیده نیز از همین طبقه است. اما آنچه که بیش از هر پدیده‌ای به شکل ملموس پیداست، فقر اقتصادی و فرهنگی در کوچکی این شهر بی‌هویت و «بی‌هوده» است. حتا انصاری هم فقیر است نه اقتصادی که فقیر جنسی، که به مراتب درمانده‌تر از فقیر اقتصادی است. اما همه‌ی اینها ناشی از تقسیم عادلانه‌ی فقر است که افتخار و منزلتی نیست برای تقسیم کنندگان آن. شاید مهم‌ترین رخداد نمایشنامه در تماشاکن یا خواننده نوشتن ادامه‌ی این نمایشنامه در ذهنش یا روی کاغذ باشد. نوشتنی که بسیار دشوارتر از نوشتن «بی‌هوده» خواهد بود. رهایی آدم‌هایی گرفتار در گرداب این زندگی و مرگ تدریجی جسم‌ها و رویاهایی که رویا می‌مانند و هرگز به واقعیت تبدیل نمی‌شوند. می‌ماند چند نکته:

■ فرشید مصدق



بی‌هوده نمایشنامه بی‌نقص رئالیسم اجتماعی



حقیقتش اینه که من خیلی منتقد متخصص نیستم. در صورتی که در چهل سال گذشته نقدها یا تحلیل‌های دلی زیادی در مطبوعات معتبر نوشتیم. اما چیزی که سبب نوشتار اکنون شده نوشتن و چاپ چند مطلب بی‌هوده به نام نقد در مطبوعات محلی یا فضاهای مجازی از سوی چند آدم کم سواد یا بی‌سواد در حوزه‌ی تئاتر بود. برای اون آدم‌ها که هیچ ارتباطی به تئاتر ندارند، همین چند کلمه کافیه. فراموش نکنیم که برای دیدن یا نوشتن درباره‌ی یک تئاتر هیچ پیش فرضی لازم نیست. من در قالب هیچ یک از نقدهای تفسیری، مضمونی، روانشناسانه، آرکاتایپال، ساختارگرا، توصیفی، تکوینی و نشانه‌شناسانه حرف نمی‌زنم. اما اجازه بدید حرف زدن درباره‌ی تئاتر «بی‌هوده» را از اینجا شروع کنیم که «چگونه اشیاء حرف می‌زنند؟» از اشیایی که هرگز تصور نمی‌کنیم که دارند دیالوگ می‌گویند وقتی دو تا پیازه و یک شامپو و یک جعبه‌ی خالی دستمال کاغذی یک واقعه و حادثه را بازی می‌کنن. آنقدر باورپذیر می‌شوند که با افتادن شامپو به روی فرش و سکوت پس از آن مرگ دلخراش کودک غلام ساقی را به چشم می‌بینیم چه رازی در این صحنه رخ داده است. مگر غیر از دنیای بازی و تخیل و راستی کودکانه است؟ مگر غیر از بازی دقیق، هیجانی و ترس و وحشت بازیگر در لحظه‌ی بازسازی صحنه است؟ زمانی که کشش‌های نیلوفر یک فاجعه‌ی ناموسی را به تصویر می‌کشد چگونه این فاجعه به یک گروتسک و طنز ظالمانه تبدیل می‌شود. چطور یک پوستر جاده تبدیل به رویای آدم‌هایی تبدیل می‌شود که هرگز دست‌یافتنی نیست؟ چگونه صدای یک گوشی همراه که نشان از یک حادثه‌ی هولناک می‌دهد. (زنگ گوشی همسر انصاری در جیب شلوارش) تبدیل می‌شود به تغییر وضعیت غالب یک کاراکتر (کاوه) به شخص مغلوب. چطور می‌توان فریاد یخچال خالی و خرید سبب زمینی و پیاز کاوه را شنید. آیا می‌شود صدای تی شرت کاوه را در ابتدا و انتهای تئاتر نشنید؟ آیا موسیقی «آی نیلوفر» انتظار گوشی کسری در اوج درماندگی کاوه و کسری را می‌شنوید؟ آیا تراژدی شخصیت‌های غایب اثر (غلام ساقی - همسر انصاری - منشی انصاری - پسر بچه‌ی غلام ساقی) را که بسیار قدرتمند پرداخت نمایشی شده‌اند را درک می‌کنید؟ آیا نقش بی‌کم و کاست پدر سالارانه‌ی قاب عکس پدر و مادر کاوه را (تصویر پدر بسیار بزرگ‌تر از عکس کوچک مادر) روی تاقچه احساس کرده‌اید؟ و مبلمان و پشتی‌هایی که نقش بی‌بدیل اصطلاح «دیوار چهارم» در تئاتر را بازی کردند و گاه بازیگر به این دیوار تکیه می‌کند. همین گونه است نقش‌های ایفون و دلهره‌هایی که در بازیگران و تماشاکنان به وجود می‌آورد. و اتومبیل پارک شده و خون روی آن که بیشتر از شخصیت‌های غایب بار دراماتیک تئاتر را بر دوش می‌کشد. و بسیاری دیگر از اشیاء درون اثر که ممکن است از نگاه من پنهان مانده باشد.

نمایشنامه:

نمایشنامه‌ی «بی‌هوده» یکی از نمایشنامه‌های بی‌نقص «رئالیسم اجتماعی» سالهای اخیر نمایشنامه‌نویسی در ایران است. چرا «بی‌هوده»؟ واقعی‌ترین امر دنیای نمایشنامه «بی‌هوده» مرگ کودک غلام ساقی است و در عین

■ کسری و نیلوفر به کجا می‌خواهند بروند؟ پاسپورت که ندارند. بگوئیم آن ور آب. اینجا که مثل همان جاست. آسمان ابری است. پول که ندارند.

■ قاب عکس والدین می‌گوید که نام‌های کسری و کاوه انتخاب آن‌ها نیست

■ انگیزه‌ی بی‌سیم آخر زدن انصاری برای افشای رازش به همسرش خیلی قوی نیست.

■ انگیزه‌ی فرار کسری و نیلوفر عشق نیست یا حداقل عشق پیدانیست. منظورم ملودرام نیست. که اگر بود در آخرین لحظه کسری نمی‌گفت نیلوفر راننده نبوده‌است.

■ هیچ یک از کاراکترها به عمد از هوش نسبی هم برخوردار نیستند.

■ آیا غلام ساقی شریف‌تر از انصاری نیست؟ آیا نیلوفر خشم سرنوشت منشی انصاری نیست؟

■ غلام ساقی، انصاری، منشی انصاری، کسری و نیلوفر حاصل کدام اشتباه تاریخی، فرهنگی و سیاسی و اجتماعی ما هستند؟

■ در جامعه‌ای که همه بدنبال نجات خود هستند، چگونه می‌توان زندگی کرد؟

■ «بی‌هوده» یک نمایشنامه و تئاتر فوق‌العاده است اما کمکی به جامعه‌ی بحران‌زده نمی‌کند.